



گزارشی دربارهٔ روابط بازرگانی ایران
و کمپانی هند شرقی هلند در قرن ۱۸ م.
دیتارد وان رییدن

ترجمه
ویلم فلور، داریوش مجلسی





- سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
Rheeden, Dithard Van. دیتارد. وان ریدن.
گزارشی درباره روابط بازرگانی ایران و کمپانی هند شرقی هلند در قرن ۱۸ م.
نوشته دیتارد وان ریدن؛ ترجمه ویلم فلور و داریوش مجلسی؛ ویراستار دکتر سید صادق سجادی.
تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری سخن، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری
فروست
شابک
۹۷۸-۶۲۲-۷۷۰۶-۴۲-۰
وضعیت فهرست نویسی
فیا.
یادداشت
A Report of Trade Relations Between Iran and The Dutch Indies Company. ص.ع. به انگلیسی.
کمپانی هند شرقی هلند-- تاریخ-- قرن ۱۸ م.
Nederlandsche Oost-India Compagnie -- History -- 18th Century موضوع
ایران -- روابط خارجی -- هلند. موضوع
Iran -- Foreign Relations -- Netherlands موضوع
هلند -- روابط خارجی -- ایران. موضوع
Netherlands -- Foreign Relations -- Iran موضوع
ایران -- بازرگانی -- هلند. موضوع
Iran -- Commerce -- Netherlands موضوع
هلند -- بازرگانی -- ایران. موضوع
Netherlands -- Commerce -- Iran موضوع
شناسه افزوده
فلور، ویلم ام. ۱۹۴۲-م. مترجم.
Floor, Willem شناسه افزوده
مجلسی، داریوش، مترجم. شناسه افزوده
سجادی، سید صادق، ۱۳۳۳-، ویراستار. شناسه افزوده
DSR1۳۹ رده بندی کنگره
۳۲۷/۵۵۰۴۹۲ رده بندی دیویی
۸۸۱۹۱۸۲ شماره کتابشناسی ملی

گزارشی دربارهٔ روابط بازرگانی ایران
و کمپانی هند شرقی هلند در قرن ۱۸ م.



دیتارد وان ریدن

ترجمه



ویلیم فلور، داریوش مجلسی

ویراستار



دکتر سید صادق سجادی



مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار

[۹۵]

گنجینه اسناد و تاریخ ایران



هیئت گزینش کتاب و جایزه

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر زاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق
دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبیایی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات
دکتر محمد افشین وفایی (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



گزارشی دربارهٔ روابط بازرگانی ایران
و کمپانی هند شرقی هلند در قرن ۱۸ م.

دیتارد وان ریدين



مترجم	ویلم فلور، داریوش مجلسی
ویراستار	دکتر سید صادق سجادی
گرافیسٲ، طراح و مجری جلد	کاوه حسن بیگلر
حروفچین و صفحه‌آرا	مریم ترکاشوند
لیتوگرافی	صدف
چاپ متن	آزاده
صحافی	حقیقت
تیراژ	۲۲۰۰ نسخه
چاپ اول	۱۴۰۱

ناشر

انتشارات دکتر محمود افشار

خیابان ولی‌عصر، بالاتر از پارک‌وی، خیابان عارف‌نسب، کوی دبیرسیاقی (لادن)، شماره ۶
تلفن: ۲۲۷۱۷۱۱۴ دورنما: ۲۲۷۱۷۱۱۵
با همکاری انتشارات سخن
خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸
تلفن: ۵-۴۶۹۵۳۸۰۴ دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲
تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها
۵-۴۶۹۵۳۸۰۴



شورای تولیت

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)
وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی - رئیس دانشگاه تهران (با معاونان اول هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ وقفنامه)

متولیان منصوص و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی (جانشین، دکتر محمد اسلامی - دبیر)
سید محمود دعایی (نایب رئیس شورا) - دکتر احمد میر (بازرس) - ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

هیئت مدیره (منتخب شورای تولیت)

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس هیئت مدیره) - دکتر محمد اسلامی (نایب رئیس هیئت مدیره)
دکتر محمد افشین وفايي (مدیر عامل) - حمید رضا رضایزدی (خرانه دار)



درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار
ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منسوب واقف، از ۱۳۶۲-۱۳۸۹) - مهر بانو دکتر افشار - مهندس نادر افشار
بهروز افشار یزدی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیئت مدیره (از ۱۳۶۲ تا ۱۳۸۳) - دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح
دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی - دکتر علی محمد میر - دکتر محمد علی هدایتی

یادداشت واقف

اول

طبق ماده ۲۳ وقفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ وقفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابر این کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چون نظر بازرگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تاحدی تحمل زیان هم جایز است طبق ماده ۲۷ وقفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با ما یاری و تشریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت نامه دوم (مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمتهای مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت نامه دهخدا و محل مؤسسه باستان شناسی به طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مفاد وقفنامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم

چون طبق ماده ۳ موافقت نامه نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیته انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی اداره امور جوایز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولیت است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیته نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

هفتم

چون نگارنده این سطور به واسطه کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همه ایرانیان است می باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هر یک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاریزدی
آذر ماه ۱۳۵۸ شمسی

مستوفع

تکمله سوم

کتبی که با بودجه این موقوفات طبع و توزیع می شود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد. اگر همه تألیفات و مجموعه هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می شود صد درصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین جنبه هاست به عهده بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان با بودجه آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است دربرداشته، کتبی که بویی از ناحیه گرایی و جدایی طلبی و حکایت از رواج زبان های خارجی به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه آمیز و روش ها و سیاست های فتنه انگیز داشته باشد نباید با بودجه این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکته دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ نامه فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زیاد و هزینه بیشتر دارد، درآمد ماهیانه بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می توان با اندوخته بانکی این موقوفات چاپ نمود، به شرط آن که اجازه واقف در زمان حیات و موافقت شورای تولیت بعد از ممات یا هرکس و دستگاهی که قانوناً قائم مقام آنهاست باشد.

در تکمله دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم افغان نامه نگاشتم که کتب و رسالاتی که با بودجه این موقوفات چاپ می شود باید منزه باشد از تحریکات سیاسی، مخصوصاً آلوده نباشد به اغراض سیاسی خارجی در لافافه پژوهش تاریخی و ادبی ایران شناسی... و در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتم که مبادا چنین رسالاتی سال ها بعد از ما نخواسته و ندانسته، به وسیله این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمده مخاطب این یادآوری ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسنده این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسندگی کاملاً آگاه می باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجبی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد؛ ان شاء الله.

تکمله و تبصره

یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان.

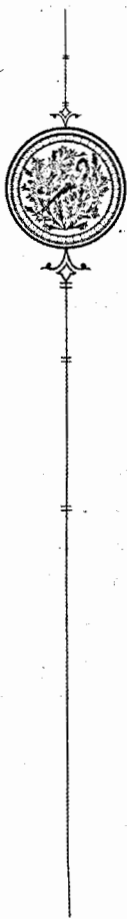
کتاب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می‌شود باید منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه‌های محلی و زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتاب‌ها و رسالات باید منزّه باشد از روش‌های تفرقه‌آمیز و سیاست‌های فتنه‌انگیز، چه به‌طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لفاظا پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران‌شناسی.

کتاب تاریخی و ادبی عالمانه خارجی که از عربی و ترکی و روسی به فارسی ترجمه می‌شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زیان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زیان‌بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفته منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانتاز و هوچی‌گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفته نظامی گنجوی:

چون توان راستی را دج کردن دروغی را نباید خرج کردن

برای چاپ و انتشار کتاب و رسالات نه تنها هزینه و حق‌الزحمه نمی‌خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق‌العاده سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می‌پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب‌های خود به‌طور مسلم ضرر مادی دارد، زیرا کمتر از ارزش تمام شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معامله مرحوم ملا نصرالدین باشد که تخم مرغ می‌خرد دانه‌ای دو شاهی، می‌پخت و رنگ می‌کرد و می‌فروخت یک شاهی! عقیده ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می‌کنیم سود معنوی که منظور ماست می‌بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می‌دهیم. این زبان را به حساب مصارف وقف در راه ایده‌آل و هدف ملی خود محسوب می‌داریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکمله منتشرشده در ابتدای کتاب‌های این بنیاد که اضافات و تفاوت‌هایی با هم دارد توجه فرمایید.



فهرست مطالب

مقدمه	۱۵
تذکار	۲۵
فصل اول: آغاز ارتباط و تجارت ما	۲۷
فصل دوم: دین اکثریت ایرانیان	۶۹
فصل سوم: تعلیم و تربیت شاهان ایران	۷۱
فصل چهارم: راه و روش حکومتی پادشاهان	۷۳
فصل پنجم: خصوصیات مهم‌ترین وزیران مملکت	۷۵
فصل ششم: عامه مردم و بازرگانان	۷۹
فصل هفتم: شرح رقیبان تجاری کمپانی	۸۱
فصل هشتم: راهزنان دریایی و دیگر دزدان	۱۰۷
فصل نهم: کالاهای بازرگانی که در این حدود به فروش می‌رسد	۱۱۱
فصل دهم: صادرات	۱۲۱
فصل یازدهم: اقامتگاه‌های ما	۱۳۳
فصل دوازدهم: مسکوکات رایج در کشور ایران	۱۴۳
فصل سیزدهم: پیشکش‌های متداول	۱۴۵

۱۴ گزارش درباره روابط بازرگانی ایران و کمپانی هند شرقی هلند در قرن ۱۸م

- فصل چهاردهم: شرح وضع دفتر نمایندگی کمپانی در بندرعباس در زمان ما ۱۴۷
- فصل پانزدهم: تشریح وضع فعلی خارک ۱۴۹
- فصل شانزدهم: وضع مسکن و شرایط سکونت ۱۵۷
- فصل هفدهم: نکاتی درباره چگونگی پیشبرد تجارت ۱۶۳
- نگاهی به چگونگی تجارت در خلیج فارس ۱۶۹
- نمایه ها ۱۹۵

مقدمه

در ۲۸ نوامبر ۱۷۵۲، یعقوب ماسل^۱، فرماندار شرکت هند شرقی هلند (VOC) در باتاویا^۲ نامه‌ای به هفدهمین هیئت مدیره شرکت در آمستردام نوشت و به آنها اطلاع داد که گزارشی درباره وضعیت فعلی و مشکلات شرکت و راه‌های بهبود آن نوشته است. او این گزارش را که عنوانش «ملاحظات درباره وضعیت اجتناب‌ناپذیر کمپانی» بود و در آن طی ۱۹۲ نکته یا نقطه نظر، دلایل رکود شرکت و فرصت‌های تجدید حیات آن را توضیح داده بود، ضمیمه همان نامه کرد.

ماسل در بررسی‌های خود اظهار کرده است که طی ۱۵ سال گذشته، وضعیت شرکت به دلیل جنگ ویرانگر در مالابار^۳، مکاسر^۴ و جاوه^۵، و نیز تصمیمات نادرست در اولین سال‌های آن پانزده سال، ۵۰ درصد از سود خود را از دست داده است. علاوه بر آن، در نیمه دوم آن دوره هزینه‌های شرکت افزایش یافته است، زیرا مشکلات جاوه، هزینه‌های رو

1. Jacob Mossel.

3. Malabar.

4. Makasar.

۲. جاکارتا در اندونزی کنونی.

5. Java

به رشد شعبه‌های تجاری در سیلان^۱، کوروماندل^۲، بنگال، سورات و دیگر مناطق را افزایش داده است. ماسل به این نتیجه رسیده بود که اگر شرکت اقدامات لازم را برای اصلاح وضع خود انجام ندهد، به‌زودی با ورشکستگی روبه‌رو خواهد شد.

بر اساس محاسبه‌ی ماسل کل هزینه‌های آسیایی کمپانی هند شرقی هلند ۹۳ تن طلا بوده است که از آن میان سهم شعبه‌ی تجاری شرکت در ایران نیم تن بوده است. سود ناخالص شرکت، در آسیا و هلند ۱۲۷ تن طلا تخمین زده شده بود که پس از کسر هزینه‌ها و ضررهای کلیه‌ی شعبه‌های تجاری به ۳۴ تن تقلیل می‌یافت. این ۳۴ تن هم برای پرداخت هزینه‌های دفاعی، هزینه‌های شرکت در هلند و سود سهام مورد نیاز بود. پس از این پرداخت‌ها فقط ۶ تن برای هزینه‌های جانبی مانند مقابله با خطرهای دریایی، بیمه و موارد مشابه باقی می‌ماند. به‌طور خلاصه هیئت مدیره اعلام کرد که: «به این ترتیب محاسبه نشان می‌دهد که شرکت ورشکست خواهد شد».

ماسل اولین کسی نبود که به رکود شرکت توجه کرد و طرحی برای سودآوری مجدد عملیات تجاری آن ارائه داد. دوست و سلف او، ون ایمهوف^۳، قبلاً چنین طرحی را برای جبران خسارت در سال ۱۷۴۱ پیشنهاد کرده بود. ملاحظات او در مورد وضعیت شرکت به‌طور مؤثر اجرا نشد و به گفته‌ی مورخان بعدی، طرحی منسجم نبود. اگرچه ماسل با زرق و برق و فصاحت زیاد پیشنهادهای خود را به هیئت مدیره ارائه داد،

۱. Ceylon: نام قدیم کشور سری‌لانکای کنونی.

2. Coromandel.

3. Van Imhoff.

اما آنها به زودی متقاعد نشدند که این پیشنهادها برای شرکت مناسب است.

در اینجا من فقط در مورد موضوعاتی صحبت می‌کنم که ماسل در «ملاحظات» خود در مورد وضعیت شرکت در ایران مطرح کرده است. شعبه‌های تجاری شرکت در ایران (بندرعباس، کرمان، اصفهان، بوشهر و بصره) نقش مهمی در عملیات شرکت ایفا می‌کردند، زیرا شرکت هر سال به ۶۱ تن از انواع پول نقد برای تأمین مالی فعالیت‌های تجاری خود نیاز داشت. این پول در هلند وام گرفته شد، زیرا نرخ بهره در آنجا کمتر از آسیا بود. این مبلغ باید در عملیات تجاری در آسیا به شرح زیر سرمایه‌گذاری می‌شد:

بنگال ۳۶ تن

کوروماندل ۱۲ تن

سیلان ۴ تن

قلع و فلفل، هر جا معامله می‌شود ۸ تن

مجموع ۶۰ تن

باتاویا باید مراقب می‌بود که از ۸ تن قلع و فلفل به درستی استفاده شود، در حالی که شعبه‌های تجاری در ایران و سورات باید ۱ تن باقی‌مانده را تأمین می‌کردند. بنابراین ماسل نتیجه گرفت که افزایش سود ضروری است و به‌ویژه در ایران، سورات، بنگال و چین باید یک تجارت قوی و پویا راه افتد؛ تجارتی که در زمان نگارش گزارش او چنین نبود. این است نظر او درباره وضعیت تجارت در ایران:

«ایران در دوره‌های خوب، جایی سودآور است. در آنجا

ممکن است سی هزار پوند میخک، ده هزار پوند جوز هندی،

یک میلیون پوند شکر، ده هزار پوند قلع و سایر کالاها، از جمله پارچه به فروش برسد. فروش کالاهای سنگین هم به دو تن می‌رسید، همچون پارچه که فقط طی یک سفر تجاری به اینجا می‌رسید. زیرا در غیر این صورت بازار اشباع می‌شد. به علاوه شرکت قادر به رقابت با پارچه‌هایی که از کوروماندل و بنگال حمل می‌شد و خود با آن تجارت می‌کرد، نبود. این بدان معناست که یک تن باید از آن کسر شود و فقط یک تن به اینجا حمل گردد.»

از آنجا که از ۴ تن کالایی که شرکت به ایران وارد می‌کرد، تنها ۱ تن سود داشت که برای هزینه آن هم باید به اندازه نیم تن کسر شود، ماسل در نقطه نظر شماره ۱۲۷ خود از «بازتاب‌های» تجارت با ایران نتیجه گرفت که:

«اگرچه ایران مقدار زیادی شکر، ادویه‌جات، ترشی‌جات، و غیره مصرف می‌کند، اما اگر شرکت سفرهای تجاری خود را به آن کشور متوقف کند، باز همان مقدار کالا از شرکت، از طریق بنگال و یا از راه سورات خریداری می‌شود. بنابراین اگر شرکت تجارت مستقیم با ایران را به نفع انگلیسی‌ها رها کند، اندکی سود از دست می‌دهد. این امر در مورد تجارت مستقیم با بصره نیز صادق است، زیرا پارچه‌هایی که در حال حاضر در گامرون، بوشهر و بصره متقاضی دارند، توسط رقبای تجاری ما که به سبب روش خود در تجارت نمی‌توانیم با آنها معامله کنیم، از بنگال و کوروماندل طی سفرهای مستقیم به اینجا حمل می‌شوند. زیرا ما معمولاً زمانی با پارچه وارد بازار می‌شویم که بازارها قبلاً با مشابه آن پارچه‌ها پر شده است.»

آقایان هیئت مدیره هفدهم از نامه ماسل بسیار خوشنود شدند، زیرا آنها نیز با توجه به افول تجارت شرکت، که از مدتی پیش مشاهده کرده بودند، به ضرورت تجدید سازماندهی اعتقاد یافته بودند. در ۲۱ مارس ۱۷۵۴، هیئت مدیره نامه‌ای محرمانه در پاسخ به نقطه‌نظرهای ماسل نوشت و برای او و همکارانش، اعضای شورای شرکت در باتاویا، فرستاد. اگرچه هیئت مدیره با ماسل موافقت کرد که اقدام سریع لازم است، اما نمی‌خواستند خیلی شتابزده عمل کنند، زیرا این کار ممکن بود به اقداماتی سطحی منتهی شود. بنابراین ضرورت داشت که وضعیت فعلی همه دارایی‌ها و شعبه‌های تجاری، به‌ویژه مدیریت، سیاست، تجارت، کشتیرانی، کشاورزی و همچنین توجیه ادامه آنها، به‌ویژه سود و زیان شرکت در کشورهای مربوطه، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل کامل قرار گیرد. با این‌همه هیئت مدیره نظرات مفصل و انتقادی نیز در مورد تجزیه و تحلیل ماسل، به‌ویژه در مورد عملکرد و مزایای فعالیت شرکت در باتاویا داشت؛ و به‌علاوه بر آن بود که لازم است مزایا و معایب استقرار مجدد سیستم سابق و ممنوعیت مطلق تجارت خصوصی، در مقابل تجارت آزاد، در برابر یکدیگر سنجیده شود.

پس از دریافت آن «نامه محرمانه»، ماسل و شورای او اولین مذاکرات نظام‌نامه‌ای خود را در ۲۴ مارس ۱۷۵۵ آغاز کردند. از یادداشت‌های جلسه آنها در ۸ سپتامبر ۱۷۵۵ برمی‌آید که شورا در این مذاکرات پیشرفت چندانی نکرده است. چندین مشاور پیشنهاد کردند که هر یک نظرات خود را بنویسند و جداگانه به هیئت مدیره ارسال کنند. با این

حال، شرودر^۱، یکی از مشاوران، استدلال کرد که هیئت مدیره برای پاسخ‌های کوتاه اهمیتی قائل نخواهد بود و می‌خواهد هر شعبه یا شاخه تجاری تجزیه و تحلیلی کامل از وضع خود به عمل آورد. اکنون این وظیفه باید بین اعضای شورا تقسیم شود. این پیشنهاد در ۱۴ اکتبر ۱۷۵۵ توسط شورا به تصویب رسید. روز بعد ماسل، در مورد این تصمیم یک نامه و نیز در جواب به نامهٔ محرمانهٔ مورد بحث، یک پاسخ کوتاه نوشت و فرستاد. او در ضمن این پاسخ کوتاه به هیئت مدیره اطلاع داد که شورا پیشنهاد کرده است ممنوعیت تجارت خصوصی را دوباره برقرار کنند.

همانطور که شرودر به درستی پیش‌بینی کرده بود، هیئت مدیره از پاسخ کوتاه و به اصطلاح محترمانه بسیار ناراضی بود زیرا نمی‌توانست مبنایی برای تصمیم‌گیری آنها باشد. بنابراین بار دیگر نامه‌ای طولانی و محترمانه شامل جزئیات اهداف «نامهٔ محرمانه» قبلی نوشت و خواستار تجزیه و تحلیل کامل فعالیت تمام شعبه‌های تجارتی شرکت هند شرقی هلند، مشتمل بر سود و زیان آنها و راه‌های بهبود وضعیت فعلی شد.

در این میان کار تجزیه و تحلیل کامل هر شعبه در باتاویا آغاز شده بود. نویسندهٔ گزارش مربوط به ایران و سورات، دیتارد ون ریدن^۲ بود که هیچ تجربهٔ شخصی یا اطلاعات محلی دربارهٔ ایران یا سورات نداشت. در سال ۱۷۴۱، از او به عنوان یکی از مدیران کوچک انبارهای آتراست^۳، جزیره‌ای کوچک در باتاویا که برای ذخیره‌سازی بار و تعمیر کشتی از آن استفاده می‌شد، نام برده شده است. در ۷ مارس ۱۷۴۴ او به مدیریت دوم انبارها منصوب شد. در ۱۱ ژانویه ۱۷۵۰، او ناظر باتاویا، و در ۸۹ ژانویه

۱۷۵۲، مشاور فوق‌العاده شرکت در باتاویا شد. به‌طور خلاصه، او بسیار سریع پیشرفت کرد و نشان داد که در باتاویا ارتباطات عالی دارد. او در اوایل سال ۱۷۵۹ درگذشت.

اگرچه ون ریدن برای نوشتن گزارش خود به دانش و تجربه شخصی در مورد ایران متکی نبود، اما توانست دیدگاهی قابل توجه دربارهٔ فراز و نشیب‌های شرکت در آن کشور ارائه دهد. البته گاه پیداست که او روش چسب و قیچی را با کپی کردن بخش‌هایی از گزارش‌های مدیران شرکت در ایران، که برای جانشینان آنها نوشته شده بود، اتخاذ کرده است. با این حال یک گزارش مناسب داخلی تهیه کرد. به این ترتیب، گزارش ون ریدن، پس از گزارش ون دام در همین موضوع، دومین وصف نظام‌مند و جامع از تاریخ شرکت هند شرقی هلند است.^۱

نتیجهٔ این تجربیات چه بود؟ تا آنجا که به ایران مربوط می‌شود، گزارش ون ریدن دربارهٔ سیاست و عملکرد شرکت در این کشور بسیار ناچیز است. در ۲۲ آوریل ۱۷۵۷، شورای باتاویا گزارش او را مورد بحث قرار داد، اما تصمیم محرمانه‌ای که پس از این بحث گرفته شد، حتی در هیچ دفتری از دفاتر شورا ثبت نشده است. از مکاتبات بعدی پیداست که ماسل و شورا انتظار سود زیاد از شعبهٔ تجاری جدید در جزیرهٔ خارک داشتند. این امر از گزارش ون ریدن نیز پیداست؛ گرچه این انتظارات را

۱. پیتر ون دام *Pieter van Dam* (۱۶۲۱-۱۷۰۶م) وکیل شرکت هند شرقی هلند، در ۱۶۹۳ توسط هیئت مدیره مأمور شد تا گزارشی مرجع و راهنما برای شرکت تهیه کند که شامل تاریخ فعالیت آن از آغاز تا زمان خود او باشد. ون دام موفق شد اثری تاریخی بنویسد که در آن جزئیات فعالیت شرکت به تفصیل شرح داده شده است و همه مبتنی بر اسناد و مدارک است:

Dam, Pieter van, Beschryvinge van de Oostindische Compagnie derde boek, Hague: Nijhoff 1927-1954.

به اطلاع هیئت مدیره رسانده بودند. در ۱۳ اکتبر ۱۷۵۷، هیئت مدیره به ماسل نوشت که آنها تمایل دارند شعبه تجاری گامرون را تعطیل کنند، زیرا رقبا کالاهای ارزان‌تری عرضه می‌کنند و از این رو ابقاء یا تعطیلی این شعبه علی‌السویه است، زیرا چندان امیدی هم به گرفتن بدهی‌های معوقه در ایران، به‌ویژه بدهی هنگفتی که شاه داشت نیست، اما با توجه به اینکه شورای باتاویا امیدهای زیادی به تجارت در خارک داشت، هیئت مدیره در آن زمان با ابقای آن موافقت کرد.

با این حال، یک سال بعد، در ۱۰ دسامبر ۱۷۵۸، هیئت مدیره نظر خود را تغییر داد و نوشت که:

«نامه‌های واصله از ایران کمترین امیدواری برای انتظار بهبود در این تجارت را نمی‌دهد و از این رو ما به‌طور فزاینده‌ای بر این عقیده هستیم که بهتر است شرکت در اینجا [یعنی گامرون] تعطیل شود. شاید حتی قطع کلی تجارت با ایران به نفع شرکت باشد، زیرا چند سالی است که شرکت نه‌تنها هیچ سودی از تجارت در ایران نمی‌برد، بلکه برعکس ضررهای زیادی هم متحمل شده است. [...] این نه‌تنها درباره تجارت با گامرون، بلکه به‌ویژه درباره خارک هم صادق است»^۱

هیئت مدیره سپس در همان نامه، جزئیات گزارش ون ریدن را مورد بحث قرار داد. آنها رضایت خود را از جامع بودن آن گزارش ابراز کردند، اما اعلام داشتند که:

۱. شرکت هند شرقی هلند در سال ۱۷۵۸م شعبه تجاری خود در گامرون را تعطیل کرد. یک بررسی کلی

درباره فعالیت‌های شرکت در بوشهر را نک:

فلور، ویلم، تاریخ بوشهر از صفویه تا زندیه، ترجمه حسن زنگنه، بوشهر، انتشارات شروع.

«ما به هیچ وجه پیشنهادهای ارائه شده در آن گزارش برای جبران خسارت شرکت نسبت مطالبات بزرگ خود در آن کشور را، که با کمال تأسف مبلغ بسیار قابل توجهی است، تأیید نمی‌کنیم. زیرا جمع‌آوری آن مبالغ از طریق روش‌های پیشنهادی بدون تحمل هزینه بالا و حتی ضررهای بزرگ‌تر که ممکن است از چنین تعهدی انتظار داشته باشیم، امکان‌پذیر نیست. بنابراین اکنون نیز بر آنچه در نامه ۱۳ اکتبر ۱۷۵۷ در مورد جزیره بحرین نوشته‌ایم، تأکید می‌کنیم.»^۱

هیئت مدیره در انتظارات زیادی که شورای باتاویا در مورد تجارت با خارک داشت، انباز نبود و خواهان اثبات آن انتظارات بود. با وجود این، تصمیم گرفت سیاست مورد نظر باتاویا را در این مورد بپذیرد. به‌زودی ثابت شد که شک و تردید هیئت مدیره درست بوده است، زیرا در گزارشی که در تاریخ ۲۰ ژوئیه ۱۷۶۴ در مورد «وضعیت شرکت در هند در ۱۷۶۳» نوشته شده، آمده است که:

«تجارت ما در ایران، جایی که شرکت فقط یک شعبه تجاری در جزیره خارک دارد، به دلیل جنگ‌های مداوم در این قرن در حال افول است، یعنی تجارت تقریباً در بن‌بست واقع شده است، و بنابراین توصیه نمی‌شود در ساحل استقرار یابید. درآمد گمرکی خارک به بیست هزار گیلدر هلندی می‌رسد. این تجارت شامل فروش ادویه‌جات، مس، دو میلیون پوند پودر [شکر] و دویست هزار پوند قند به قیمت بیست و دو و نیم گیلدر برای هر صد پوند است؛ و از این

1. See: Floor, Willem, *The Persian Gulf, The Rise of the Gulf, Arabs, The politics of trade on the northern Persian Littoral 1730-1792*, Washington DC, 2007, p. 326.

ترجمه فارسی این کتاب به‌زودی منتشر می‌شود.

رو دویست و پنجاه هزار گیلدر سود دارد. خریده‌ها شامل
پشم کرمان و مس زرد است، اما بیشتر صادرات شامل روپیه
می‌شود.»

با توجه به این وضعیت، تعجب‌آور نیست که در ۱۱ مارس ۱۷۶۲،
شورای باتاویا تصمیم به قطع تجارت با ایران گرفت. با این حال، منتظر
تصویب این تصمیم توسط هیئت مدیره بود. این درنگ وجهی نداشت،
زیرا هیئت مدیره قبلاً به باتاویا نوشته بود که آنها هیچ دلیلی بر اثبات
سودمندی تجارت با ایران برای شرکت ندیده‌اند. در ۱۹ اکتبر ۱۷۶۴،
هیئت مدیره تصمیم گرفت تمام تجارت خود با ایران را متوقف کند.
باتاویا در واکنش به این تصمیم دو کشتی برای بازگرداندن کارکنان و
کالاهای خود به خارک فرستاد، در حالی که مدیر شعبه می‌کوشید
ساختمان‌ها و سایر کالاهای شرکت را به میر مهنّا، رئیس بندر ریگ،
بفروشد، اما این تصمیم در آن زمان دیگر خیلی دیر شده بود. وقتی
کشتی‌ها به خارک رسیدند، قلعه هلندی مورد حمله میر مهنّا قرار گرفته
بود. وقتی در ۱ ژانویه ۱۷۶۶ میر مهنّا تسلیم مدافعان هلندی قلعه را
پذیرفت، کشتی‌ها از آنجا دور شده بودند.^۱

۱. درباره تاریخ تجارت و حضور هلندی‌ها در جزیره خارک بنگرید به کتاب: خلیج فارس: ناگفته‌های
جزیره خارک، نوشته ویلم فلور و دنیل دی پوتس، ترجمه الناز بلوری فرد و محسن شریف‌نژاد، تهران:
نگاه، ۱۳۹۹ش.

تذکار

من در هفده فصل به تشریح مأموریت خود خواهم پرداخت، به این شرح:

فصل اول: آغاز ارتباط و تجارت ما

فصل دوم: دین اکثریت ایرانیان

فصل سوم: تعلیم و تربیت شاهان ایران

فصل چهارم: راه و روش حکومتی پادشاهان

فصل پنجم: خصوصیات مهم‌ترین وزیران مملکت

فصل ششم: عامه مردم، بازرگانان

فصل هفتم: شرح رقیبان تجاری کمپانی

فصل هشتم: راهزنان دریایی و دزدان دیگر

فصل نهم: کالای بازرگانی که در این حدود به فروش می‌رسد

فصل دهم: صادرات

فصل یازدهم: اقامتگاه‌های ما

فصل دوازدهم: مسکوکات رایج در کشور ایران

فصل سیزدهم: پیشکش‌های متداول

فصل چهاردهم: شرح وضع دفتر نمایندگی کمپانی در بندرعباس در

زمان ما

فصل پانزدهم: تشریح وضع فعلی خارک

فصل شانزدهم: وضع مسکن و شرایط سکونت

فصل هفدهم: نکاتی درباره چگونگی پیشبرد تجارت